

ایستاد هفت

سال سی و پنجم، شماره ششم
بهار و اسفند ۱۴۰۳
ISSN: 1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۰



آخر یکی از مُسلمانان چراغی قُرا راه مَن دارید! | چاپ نوشت (۱۷) |
برگی از ادبیات ضد صوفی در مسلمانان هند | نسخه خوانی (۳۹) |
آینه های شکسته (۷) | مرگ چنین خواجه... | تازیدن؟ تاسیدن؟
ناهیدن؟ | خراسانیات (۳) | یادداشت های لغوی و ادبی (۳) |
متنی دیگر از سَنیان دوازده امامی | نوشتگان (۱۱) | نظریه
آواشناختی خلیل بن احمد و زبان شناسی هندی | طومار (۹) |
اشارات و تنبیهات (۷) | حدیث «علي مع الحق» از عبات الأنوار |
رباعیات صرفی کشمیری در دیوان خاقانی | سحر با باد می گفتم
حدیث آرزومندی | **نکته، حاشیه، یادداشت**

جويا جهان بخش | مجيد جلیسه
رسول جعفریان | حیدر عبوضی
محمد سوری | مسعود راستی پور
امید حسینی نژاد | آریا طیب زاده
میلاد بیگلر | احمد رضا قائم
مقامی | علی راد | حمید عطائی
نظری | علی بوذری | سید علی
میرافضلی | مرتضی علی زاده نجارا
خلیل حسینی عطار | علی ایمانی
ایمنی | مرتضی کریمی نیا | سید
محمد حسین حکیم

اپوست آینه پژوهش | الجامع لعلوم القرآن، تفسیر أبي الحسن الرماني
روند تحول نگاه اهل سنت به نهج البلاغه در قرن هفتم هجری

سحر با باد می گفتم حدیث آرزومندی

علی بوذری

| ۳۳۵-۳۴۰ |

۳۳۵

آینه پژوهش | ۲۱۰

سال ۳۵ | شماره ۶

بهمن و اسفند ۱۴۰۳



چکیده: در شماره ۲۰۸ آینه پژوهش نقدی به قلم سیدعلی کاشفی خوانساری درباره کتاب نخستینه چاپ‌های ایران منتشر شد. مقاله حاضر پاسخی است به نقد منتشرشده از سوی نویسنده کتاب نخستینه چاپ‌های ایران.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، پاسخ نقد، علی بوذری، سیدعلی کاشفی.

Sahar bā bād migoftam ḥadith-e ārzūmandi

A Response to the Critique of *The First Publications of Iran*

Ali Buzari

Abstract: Issue 208 of *Ayeneh-ye Pazboohesh* featured a critique by Sayyid Ali Kashefi Khansari on the book *Nakbustineh Chāp-hā-ye Iran (The First Printed Books of Iran)*. The present article is a response from the author of the book to this published critique.

Keywords: Book review, critique response, Ali Buzari, Sayyid Ali Kashefi.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در شماره اخیر نشریه آینه پژوهش (مهر و آبان ۱۴۰۳: ۳۹۹-۴۰۸) نقدی بر کتاب تازه چاپ نگارنده این سطور با عنوان نخستینه چاپ‌های ایران (پویانما، ۱۴۰۲)، به قلم دوست دانشمند، سید علی کاشفی خوانساری، منتشر شده که لازم دیدم در ضمن سپاس بی‌پایان از توجه و نکته‌سنجی ایشان، چند سطر در پاسخ به آن بنویسم.

در ابتدای نقد، عنوان شده است که «تاریخ کتاب در ایران و تاریخ کتاب‌های فارسی زبان، دو مقوله جداگانه، اما مرتبط است» و در ادامه آمده است که «کتاب حاضر حاصل پژوهشی مفصل و پردامنه درباره بخشی از تاریخ چاپ در ایران است و پژوهشگر به خوبی حدود و مرزهای مختلف جست‌وجوی خود را مشخص کرده». در ادامه، با ارجاع به مقدمه کتاب، حیطه پژوهش مشخص شده است:

الف. محدوده جغرافیایی (مرزهای امروزی ایران)؛

ب. موارد مورد بررسی (آثار چاپی در قالب کتاب)؛

ج. زبان موارد مورد بررسی (فارسی و عربی)؛

د. محدوده تاریخی (اواسط دوره فتح‌علی‌شاه تا اوایل دوره ناصرالدین‌شاه)؛

ه. تکنیک چاپ آثار (چاپ حروفی یا سربی).

دانستن همین مقدمه، که به دقت محدوده پژوهش را روشن می‌کند، بی‌هیچ گفتگویی، آنچه در ادامه در نقد کتاب آمده را بی‌اساس و بی‌اثر می‌کند، چرا که آنچه به مثابه نقد آمده، به هیچ روی در چارچوب کتاب جای نمی‌گیرد و هیچ‌کدام به حیطه شفاف شالوده پژوهش، ارتباطی ندارد:

نخستین نقد، عدم توجه و اشاره به کتب چاپی به زبان آسوری در ارومیه در دوره قاجار است، موضوعی که به جهت عدم تطبیق زبان، بند «ب»، کاملاً بی‌ارتباط با پژوهش حاضر است که محدوده آن تنها زبان فارسی و عربی است.

دومین نقد، فهرستی از سوالاتی است که منتقد در آرزوی دانستن پاسخ آنهاست: فهرست، موضوعات، نویسندگان و رده‌بندی دیویی کتاب‌های چاپ سنگی در دوره فتح‌علی‌شاه، اولین کتاب‌های ترجمه، داستان‌های تالیفی و اولین دیوانات شعر، اولین مترجمان و ویراستاران، تیراژ متوسط و بالاترین تیراژ، بیشترین تجدید چاپ و ... باید

اذعان کنم که من نیز مشتاق دانستن پاسخ این سوالات هستم، ولی بر اساس آنچه می‌دانم، یا مانند سولاتی که منوط به داشتن فهرست جامع کتاب‌های چاپی در دوره قاجار است، در حال حاضر اطلاعات کافی در این مورد نداریم، یا مانند سولاتی درباره تیراژ و تجدید چاپ، اساساً اطلاعات چندانی در آن مورد وجود ندارد. با این حال، آنچه مربوط به کتاب نگارنده است، عدم ارتباط بین سولات و حیطه پژوهش است. پژوهش آشکارا، تنها بر کتاب‌های چاپ سربی فارسی و عربی تمرکز دارد و درباره کتاب‌های چاپ سنگی، مگر به ضرورت، سخن نمی‌گوید. با این حال در حیطه پژوهش حاضر، آنچه درباره فهرست، موضوعات، نویسندگان، کتاب‌های ترجمه، تالیف و شعر و تیراژ و تجدید چاپ در نخستینه چاپ‌های ایران یافته‌ام را درج کرده‌ام.

سومین نقدی که منتقد بر کتاب وارد می‌کند، عبارت «دوره اول چاپ سربی» است. منتقد با اتکا بر چاپ کتاب به زبان آسوری و ارمنی و ... در این بازه زمانی، بر این باور است که روند چاپ کتاب به شیوه سربی هرگز قطع نشده و این عبارت «چندان معتبر و مقبول نیست». هر چند منتقد اذعان می‌کند که احتمالاً چاپ کتاب به شیوه سربی به زبان فارسی و عربی در سال‌های بین ۱۲۷۵ تا ۱۲۹۱ قمری، دچار فترت شده بود، چاپ آثار به زبان‌های غیرفارسی و در قالب‌هایی غیر کتاب را متحمل می‌داند و با اتکا بر این موضوع قطع شدن روند چاپ سربی را رد می‌کند. با این حال منتقد، نه در این نقد، نه در مقالات دیگری که در این مورد نوشته و نه در منابع دیگر که به آن اشاره می‌کند، چاپ این آثار را اثبات نمی‌کند و تنها بر اساس قراین محتمل می‌داند که این آثار منتشر شده‌اند. از سوی دیگر این نقد با تعریف اولیه و ساختار اولیه مفروض برای کتاب که در بند «ب» و «ج» مندرج است، منافات دارد. نگارنده هنوز بر این باور است که چاپ کتاب به زبان فارسی و عربی در این دوره متوقف شده و دوباره در سال ۱۲۹۱ قمری، با انتشار سفرنامه فرنگستن (سفرنامه ناصرالدین شاه قاجار) (طهران، دارالطباعة دولتی)، از سرگرفته شده است.

از سوی دیگر، ادغام زبان فارسی و عربی در این فهرست، به دلیل «نگاه فنی و هنرمندانه» پژوهشگر در نظر گرفته شده است. منتقد به درستی به شباهت خط فارسی و عربی و دشواری‌های چاپ به زبان فارسی و عربی اشاره می‌کند، با این حال از یاد می‌برد که این کتاب‌ها همگی توسط یک گروه مشخص از حامیان، چاپچیان، مطابع و با قلم یکسان منتشر شده‌اند. همکاری این گروه در این مقطع زمانی، روایتی خاص از آغاز و

انجام تلاشی در چاپ کتاب به زبان فارسی و عربی را بازگو می‌کند که با روایت‌های دیگر در زمینه تاریخ چاپ متفاوت است. روایتی که با حمایت شاهزاده فرهنگ دوست، عباس میرزا نائب السلطنه، آغاز می‌شود و با حمایت دیگر حامیان، چون منوچهرخان گرجی معتمدالدوله و حاجی ملا میرزا بابا خوانساری، ادامه پیدا می‌کند. روایتی که در آن طبع کتاب به دست محمدعلی بن حاجی محمدحسین الاشتیانی آغاز می‌شود و با تلاش‌های بی‌وقفه میرزا زین‌العابدین تبریزی و شاگردان و وارثانش در چاپ و کاغذسازی به بلوغ می‌رسد. روایتی از تلاشی برای بقا با همکاری مطابع چاپ سربی با هنرمندان طراز اول نقاش چاپ سنگی، چون میرزا علی‌قلی خویی و میرزا حسن اصفهانی. روایت شیوه‌ای که گرچه در ابتدا تنها راه گسترش فرهنگ و ادبیات و دانش قلمداد می‌شود، پس از ورود صنعت چاپ سنگی، رنگ می‌بازد و با درگذشت حامیان، رفته رفته کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود. گرچه این روایت در موازات روایات دیگر در صنعت چاپ شکل می‌گیرد، در نوع خود منحصر به فرد و بی‌همتاست. پس توجه به زبان فارسی و عربی، نه به دلیل فنی و نه به دلیل ویژگی‌های هنرمندانه است، بلکه در ادامه تکمیل روایتی است که پژوهش براساس آن شکل گرفته است. بدون شک اگر کتاب‌های دیگر به دست این افراد منتشر می‌شد، در این فهرست جای می‌گرفت.

۳۳۹

آینه پژوهش | ۲۱۰
سال ۲۵ | شماره ۶
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

اولین گام جدی برای یک پژوهش حرفه‌ای، تعیین دقیق چارچوب برای پژوهش است؛ جامعه پژوهشی روشن و سوالات پژوهشی مشخص و پایبندی پژوهشگر به مرزهای تعیین شده در طول مسیر. در غیر این صورت به دلیل هم‌پوشانی و گستردگی مباحث، امکان انحراف پژوهش از دغدغه اصلی وجود دارد. شاید در گذشته، نگارش آثار پژوهشی با موضوعات کلی و گسترده، به دلیل کمبود دانش ما، آثاری مانند فهرست کتاب‌های چاپی فارسی (خان بابا مشار، ۱۳۳۷)، نخستین چاپ‌های مصور در ایران (سعید نفیسی، ۱۳۳۷) و تاریخ چاپ در ایران (آلیمپاداپاولونا شگلوا، ۱۹۷۹)، پسندیده و پذیرفته شده بود، با این حال در جهان تخصصی امروز، پژوهش‌هایی خواندنی و قابل اعتماد و اتکاست که بر نقطه خاصی تمرکز نماید و چاله‌ای پر عمق بکاود، نه اقیانوسی به عمق یک بند انگشت. در حالی که منتقد معترف است که این کتاب از منظر کتاب‌شناسی، تاریخ چاپ، تاریخ هنر و ... نگارش شده، با این حال در جای جای نقد انتظار دارد که موارد مورد بررسی از منظر یک زبان‌شناس، کتاب‌پژوه و

جامعه‌شناس و فرهنگ‌پژوه و ... نیز مورد پژوهش قرار گیرند و نه تنها به سوالاتی که در پیش فرض پژوهش آمده، پاسخ داده شود، بلکه به سوالاتی که در ذهن منتقد وجود دارد و مربوط به این پژوهش نیست نیز پاسخ داده شود، بنابراین آنچه منتقد به مثابه نقد کتاب در نظر گرفته، حدیث آرزومندی است نه اتکا به اثر موجود.

در پایان اذعان می‌کنم که تلاش نگارنده در حیطه دانش خود به امید تاباندن نور بر بخش‌هایی از تاریخ چاپ ایران بوده و تلاش داشته‌ام علاوه بر پژوهش مذکور، مواد و الگویی برای پژوهش‌های آتی فراهم نمایم. آنچه در کتاب آمده، بر خلاف بسیاری از پژوهش‌های پیشین، نه تنها بر اساس اسناد و فهراس، بلکه به شرط رویت کتاب‌ها بوده و همین موضوع باعث شده بسیاری از خطاهای پیشینیان اصلاح شود و اطلاعات جامع و کاملی درباره نخستینه چاپ‌های ایران در اختیار پژوهشگران قرار گیرد. با این حال، مانند هر پژوهش دیگری، این امکان وجود دارد که با پیدا شدن یک کتاب یا سند جدید، اطلاعات کتاب به چالش کشیده شود. امید دارم، انتشار فهراس و پژوهش‌ها بر پایه موضوع، زبان، کتاب‌شناسی، و جامعه‌شناسی در کتاب‌های منتشره در ایران و کتاب‌های فارسی منتشره در خارج از ایران، آرزوی پژوهشگران چاپ برای پیدا شدن قطعه‌های بی‌شمار مفقوده تاریخ چاپ را محقق کند و تصویری شفاف‌تر از تاریخ چاپ، که زیربنای تاریخ نشر دانش و فرهنگ است، تولید نماید.

علی بوذری

۳۴۰

آینه پژوهش | ۲۱۰

سال ۳۵ | شماره ۶

بهمن و اسفند ۱۴۰۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی